

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۱۳۹۶/۰۴/۱۵

موضوع: مشروعیت «توسل و استغاثه» از نگاه قرآن و علمای اهل سنت

برنامه اخلاق علوی

مجری:

اگر در سینه قلبی پاک داری

نشان از احمد لولاک داری

و گر باشی علی را یار همراه

به شادی روی بر افلاک داری

صلی الله علیک یا امیرالمؤمنین!

سلام و درود و ارادت به پیشگاه مهربان، باصفا، دوست داشتنی شما همراهان خوب و عزیز و ارجمند برنامه «اخلاق علوی» و بیننده‌های بزرگوار «شبکه جهانی ولایت».

انشاءالله خوب و خوش و سلامت باشید و دلتان شاد باشد؛ هر کجای ایران اسلامی در شمال و جنوب و شرق و غرب و مرکز یا هر جای این عالم هستید و نگاه مهربانتان را با «شبکه جهانی ولایت» همراه کردید سرتان سلامت باشد بهترین‌ها را برای شما آرزومندم.

خیلی خوشحالم که امشب هم خدمتتان رسیدیم و برنامه «اخلاق علوی» را به اتفاق بچه‌های خوب و زحمت‌کش این برنامه تقدیم شما بکنیم.

شب جمعه، شب رحمت و شب مغفرت هست؛ ان شاءالله در این شب لطف و عنایت و مرحمتِ خدای عزیز و بخشنده و مهربان شامل حال همه ما بشود.

آقای حسینی عزیزمان راه‌های ارتباطی را برایتان زیرنویس می‌کنند. «۳۰۰۰۱۲۰۳» سامانه پیام کوتاه ما هست و همچنین شماره‌ای که از طریق فضای مجازی، با برنامه‌های واتس آپ، تلگرام و وایبر وجود دارد و می‌توانید پیام‌های خودتان را به ما انتقال بدهید.

اگر حرفی، حدیثی، مطلبی، نکته‌ای در مورد موضوع برنامه‌مان دارید و اگر از عشق و ارادت و محبتتان به ساحت مولی امیرالمؤمنین، علی (علیه السلام)، اسد الله الغالب خواستید به ما برسانید از این طریق می‌توانید پیام‌های خودتان را برای ما بگویید.

این راه‌های ارتباطی است که در اختیار شما هست. ان شاءالله در بخشی از برنامه طبق معمول، ما صدای گرم شما را خواهیم شنید. می‌توانید تماس بگیرید و مطالب خودتان را به ما انتقال بدهید.

در این شب جمعه نورانی و با صفا اجازه بدهید یک صلوات به ارواح پاک و مطهر و نورانی چهارده معصوم پاک، انبیا و اولیا، پدرها و مادرها، بزرگان، علما و هر کسی که در این عالم به گردن ما حق داشته و جهت سلامتی وجود نازنین مولایمان و آقایمان، امام زمان هدیه کنیم.

اللهم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم

امشب هم محضر استادمان حضرت آیت الله دکتر حسینی قزوینی هستیم و ان شاءالله از بیان شیرین و شیوای ایشان بهره‌مند می‌شویم. جناب استاد سلام علیکم و رحمت الله، خوش آمدید:

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

سلام علیکم و رحمة الله و برکاته؛ بنده هم خدمت بینندگان عزیز و گرامی که در هر کجای این گیتی پهناور بیننده برنامه هستند و ما را مهمان کانون گرم و با صفای خانواده‌شان قرار داده‌اند، خالصانه‌ترین سلامم را تقدیم می‌کنم و موفقیت بیش از پیش برای همه گرامیان آرزو دارم.

خدا را به آبروی محمد و آل محمد سوگند می‌دهم فرج موفور السرور مولایمان، بقية الله الاعظم را نزدیک نموده و همه ما و شما گرامیان را از یاران خاص و از سربازان فداکار و شهدای رکابش قرار بدهد.

از خداوند متعال می‌خواهیم خیر دنیا و آخرت به ما ارزانی بدارد، شر دنیا و آخرت از ما دور کند، دغدغه‌های فکری ما را برطرف سازد، حوائج ما را برآورده بفرماید و دعاهای ما را به اجابت برساند به آبروی محمد و آل محمد به ویژه حضرت صدیقه طاهره (سلام الله علیها).

مجری:

ان‌شاءالله، از این همه دعای قشنگ و زیبایی که حاج آقا در ابتدای برنامه برای همه‌مان کردند خیلی ممنونم.

من یک نکته را عرض کنم و ان‌شاءالله بحث و گفتگوی خود را آغاز کنیم؛ ما در برنامه «جبل المتین» که یکشنبه شبها خدمتتان هستیم و در برنامه «اخلاق علوی» که شبهای جمعه در خدمتتان هستیم مسابقه‌ای گذاشتیم.

قرار شد عزیزانی که روی خط ارتباطی ما بیایند و بحث مشروعیت توسل از قرآن و سنت و سیره صحابه را برای ما ثابت کنند به ۱۵ نفر هدایایی تقدیم کنیم. عزیزان باید بیایند و شرکت کنند و مطالبشان را برای ما بگویند.

نه تنها در برنامه ما بلکه عزیزان می‌توانند در برنامه‌های دیگر همانند برنامه‌های شبهاتی که شبها تقدیم حضورتان می‌شود هم تماس بگیرند. اگر بینندگان روی خط ارتباطی آمدند و به این سؤال پاسخ دادند به ۱۵ نفر هدایای ارزنده‌ای تقدیم خواهد شد.

سؤال ما بیان مشروعیت توسل از قرآن، سنت، سیره صحابه و روایاتی که به دست ما رسیده است که باید در ۵ دقیقه به صورت مختصر و مفید بیان کنند.

ما به ۵ نفر اول پنج سکه تمام بهار آزادی، به ۵ نفر دوم ۵ نیم سکه و به ۵ نفر سوم ۵ ربع ربع سکه تقدیم خواهیم کرد. ان شاءالله مجموعاً به ۱۵ نفر از عزیزان هدایای ارزشمند در موقع خودش تقدیم خواهد شد.

استاد محترم قبل از این که به سراغ سؤالات و مباحثی که در شبهای جمعه تقدیم حضور عزیزان می کردیم لطف کنید خلاصه ای از پاسخ به سؤال مسابقه بفرمایید.

به جهت اینکه آمادگی ذهنی برای دوستان ایجاد شود و بتوانند اثبات مشروعیت توسل را در چند دقیقه داشته باشند فهرست مطالب را جمع و جور و مختصر بفرمایید تا در خدمتتان باشیم.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم

ما در جلسات گذشته، آمدم چهار آیه از قرآن را برای بینندگان عزیزمان مطرح کردیم؛

آیه اول آیه ۳۵ سوره مائده است؛

(یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ)

ای کسانی که ایمان آورده اید پرهیزگاری پیشه کنید و وسیله ای برای تقرب به خدا انتخاب نمائید و در راه او جهاد کنید.

سوره مائده (۵): آیه ۳۵

بزرگان اهل سنت همانند آقای «ابن عابدین» یکی از فقهای بزرگ احناف و آقای «نبهانی» در کتاب «شواهد الحق» و آقای «جمیل صدقی زهاوی» در کتاب «فضل الصادق» بیان کرده‌اند که این آیه اشاره به توسل دارد.

آیه دوم آیه ۵۷ سوره اسراء است؛

(أُولَئِكَ الَّذِينَ يَدْعُونَ يَبْتَغُونَ إِلَىٰ رَبِّهِمُ الْوَسِيلَةَ)

آن‌ها کسانی هستند که خودشان وسیله‌ای (برای تقرب) به پروردگارشان می‌طلبند.

سوره اسراء (۱۷): آیه ۵۷

آقای «آلوسی» در این زمینه می‌گوید: نبی مکرم اسلام (صلی الله علیه و آله) واسطه تمام خلائق هست.

آیه سوم آیه ۹۷ سوره یوسف است؛

(يَا أَبَانَا اسْتَغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا)

پدر! از خدا آمرزش گناهان ما را بخواه.

سوره یوسف (۱۲): آیه ۹۷

آقای «فیروزآبادی» در کتاب «تنویر المقباس من تفسیر ابن عباس» می‌گوید: این آیه مشروعیت توسل را اثبات می‌کند.

آیه چهارم آیه ۶۴ سوره نساء است؛

(وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ)

و اگر این مخالفان هنگامی که به خود ستم می‌کردند (و فرمانهای خدا را زیر پا می‌گذاشتند) به نزد تو می‌آمدند و از خدا طلب آمرزش می‌کردند و پیامبر هم برای آن‌ها استغفار می‌کرد.

آقایان «سمهودی» و «ابن کثیر» و «قرطبی» می‌گویند: این آیه هم شامل زمان حیات رسول اکرم است و هم شامل زمان وفات آن بزرگوار است. ما همچنین در بحث توسل در سنت پیامبر و سیره صحابه به روایاتی اشاره کردیم.

روایت اول حدیث ۱۰۱۰ از کتاب «صحيح بخاری» که خلیفه دوم می‌گوید: خدایا ما همیشه به نبی تو متوسل می‌شدیم.

روایت دوم روایتی از آقای «ابن حجر عسقلانی» از قول خلیفه دوم است که می‌گوید: به خدا قسم عباس واسطه ما و خدا هست.

روایت سوم روایت شخص نابینایی است که خدمت رسول گرامی اسلام آمد و عرض کرد: یا رسول الله! چشم من نابیناست، برای چشم‌هایم دعا کنید. رسول گرامی اسلام فرمودند: وضو بگیر، در مسجد نماز بخوان و در آنجا به من متوسل شو و بگو:

«یا محمد إني توجّهت بك إلى ربي في حاجتي»

المستدرک علی الصحیحین، اسم المؤلف: محمد بن عبدالله أبو عبدالله الحاکم النیسابوری، دار النشر: دار الکتب

العلمیة - بیروت - ۱۴۱۱ هـ - ۱۹۹۰ م، الطبعة: الأولى، تحقیق: مصطفی عبد القادر عطا، ج ۱، ص ۴۵۸، ح ۱۱۸۰

پیغمبر اکرم در آنجا نبودند که بشنوند، بلکه آن حضرت در منزل یا جای دیگری بود. همچنین احتمال دارد این شخص نابینا به منزل خود رفته باشد و رسول گرامی اسلام در مسجد باشد. این شخص به پیغمبر اکرم متوسل شد و خداوند عالم بینایی چشمانش را به او برگرداند.

آقایان «حاکم نیشابوری»، «ألبانی» و «أرنؤوط» این روایت را تصحیح کرده‌اند. همچنین در رابطه با توسل به قبر مطهر رسول گرامی اسلام روایاتی وارد شده است؛

روایت اول ماجرای «بلال بن حارث» است؛ او هفت سال بعد از رحلت پیغمبر اکرم در زمان خلافت عمر بن خطاب که قطعی آمده بود نزد قبر آن بزرگوار متوسل شد.

آقایان «ابن حجر عسقلانی» در کتاب «فتح الباری» جلد دوم صفحه ۴۱۲ و آقای «ابن کثیر» در کتاب «البدایة و النهایة» جلد هفتم صفحه ۱۰۵ این روایت را نقل کرده‌اند.

روایت دوم ماجرای فردی است که می‌خواست برای رفع مشکلش نزد «عثمان بن عفان» برود، اما «عثمان» او را راه نمی‌داد. او نزد «عثمان بن حنیف» آمد و او همان توسلی را که پیغمبر اکرم به شخص نابینا یاد داده بود به او یاد داد. این شخص بعد از وفات پیغمبر اکرم اینگونه متوسل شد و حاجت او برآورده شد.

ما همچنین روایاتی از علمای اهل سنت همانند «سبکی»، «سمهودی»، «ابن حجر عسقلانی» و «دار الافتای مصر» آوردیم که توسل به نبی مکرم قبل از ولادت حضرت، بعد از ولادت حضرت، در زمان حیات و بعد از رحلتشان اجماعی بین ائمه مذاهب اربعه هست.

مجری:

بسیار عالی، خیلی ممنونم. بیان این مطالب از ۵ دقیقه هم کمتر شد. ان‌شاءالله دوستان این مطالب را در ذهنشان داشته باشند، و اگر الآن موفق نشدند می‌توانند تکرار برنامه را ببینند تا بتوانند مطالب را یادداشت کنند. بنابراین سؤال مسابقه اثبات مشروعیت توسل از قرآن، سنت، سیره صحابه و منابعی که در کتب اهل سنت آمده می‌باشد که باید بتوانید آن را در ۵ دقیقه اثبات کنید.

ان‌شاءالله دوستانی که در مسابقه شرکت می‌کنند به موقع انتخاب شوند و هدایا تقدیم حضورشان شود.

استاد یکی از موضوعاتی که به صورت مستمر در شبکه شیطانی وهابی مطرح می‌شود بحث شرک و یا کفر استغاثه است. به عبارت دیگر اگر کسی استغاثه کرد، مشرک یا کافر هست.

لطفاً ابتدا استغاثه را از نظر ائمه طاهرين (عليهم السلام) بفرمایید تا سؤالات بعدی را عرض کنم.

مشروعیت استغاثه از منظر ائمه طاهرين (عليهم السلام)

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين و هو خير ناصر و معين الحمد لله و الصلوة على رسول الله و على آله آل الله لا سيما على مولانا بقية الله و اللعن الدائم على اعدائهم اعداء الله الى يوم لقاء الله افوض امرى الى الله ان الله بصير بالعباد حسبنا الله و نعم الوكيل نعم المولى و نعم النصير رب أدخلنى مدخل صدق و أخرجنى مخرج صدق و أجعل لى من لدنك سلطانا نصيرا

همان‌طور که اشاره فرمودید با توجه به ادعای کارشناسان شبکه‌های وهابی، دواعش و طالبان نسبت به

کفر و شرک شیعه و اهل سنت و صدور جواز قتل آن‌ها بحث توسل است!!

توسل خود اقسامی دارد؛ توسل به دعای پیغمبر، توسل به اعمال صالحه، توسل به اسماء حسنی. مهم‌ترین مواردی که وهابیت روی آن مانور می‌دهند بحث استغاثه و گفتن «یا علی ادرکنی»، «یا حسین»، «یا محمد» و امثال این است.

وهابیت ادعا می‌کنند طلب حاجت مستقیماً از رسول گرامی اسلام یا ائمه اطهار کفر و شرک است، قتل مستغیث واجب و تصرف در اموال او هم جایز است. آن‌ها با این بهانه مسلمانان اعم از شیعه و سنی را می‌کشند و مردم را به بهانه‌های واهی قتل عام می‌کنند.

حال در مورد اینکه استغاثه در منطق و فرهنگ اهل بیت (علیهم السلام) وارد شده است یا نه عبارت‌های مختلفی داریم؛

در کتاب «کافی» جلد ۵ صفحه ۴۷ حدیث یک روایتی وارد شده که صددرصد صحیح است. امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید:

«شِعَارُنَا يَا مُحَمَّدُ يَا مُحَمَّدُ»

اینجا استغاثه است، توسل به دعا نیست. توسل به جاه یا توسل به مقام یا توسل به حق نیست بلکه یک استغاثه است. در این روایت وارد شده است:

«شِعَارُنَا يَا مُحَمَّدُ يَا مُحَمَّدُ»

حال از ما ایراد می‌گیرند که چرا شما می‌گویید «یا علی»! امام صادق (علیه السلام) فرمودند: شعار ما اهلیت «یا محمد» است!! وقتی «یا محمد» درست شد، «یا علی» هم درست است، «یا حسین» هم درست است و «یا عباس» هم درست است.

امام صادق (علیه السلام) سپس شعارشان در روز بدر را بیان می‌کنند و سپس می‌فرماید:

«و شِعَارُ الْحُسَيْنِ يَا مُحَمَّدُ وَ شِعَارُنَا يَا مُحَمَّدُ»

شعار امام حسین یا محمد بوده و شعار ما هم یا محمد است.

الکافی، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ج ۵، ص ۴۷، ح

این روایت از نظر سند هیچ اشکالی ندارد و صددرصد صحیح است.

عمدتاً افرادی روی «ابراهیم ابن هاشم» ایراد می‌کردند. ما هم در مقام جواب این ادعا گفتیم آقای «خوئی» (رضوان الله تعالی علیه) در کتاب «معجم رجال الحدیث» جلد اول صفحه ۲۹۱ می‌گوید:

«لا ینبغی الشک فی وثاقه ابراهیم بن هاشم»

شکی در وثاقت ابراهیم بن هاشم نیست.

معجم رجال الحدیث، نویسنده: السید الخوئی، ج ۱، ص ۲۹۱، ح ۳۳۲

و در ادامه ادله‌ای می‌آورد. برای ما همین اندازه کافی است که ایشان می‌گوید: "«ابراهیم بن هاشم» مشکلی ندارد."

«سید ابن طاووس» می‌گوید: "«ابراهیم بن هاشم» ثقه است"، مرحوم «مجلسی اول» می‌گوید: "«ابراهیم بن هاشم» ثقه است". فقهای ما در مختلف ابواب فقهی به روایت «ابراهیم بن هاشم» عمل کردند و او را صحیح دانستند و مستند قولشان بوده است.

همچنین «احمد ابن ابی نصر بزنطی» هم یکی از اصحاب اجماع و مشایخ ثقات است. «معاویة ابن عمار» هم به همین شکل «ابرهیم بن هاشم» را تأیید کرده‌اند.

این روایات در حقیقت اثبات می‌کند که بحث استغاثه از دیدگاه ائمه طاهرین (علیهم السلام) کاملاً یک امر مشروع و رایج است.

بنابراین به فرمایش امام صادق (علیه السلام) شعار امام حسین «یا محمد» بوده و شعار ما هم «یا محمد» است. شعار شیعه هم به استناد فرمایش آن بزرگوار «یا محمد» و «یا علی» است.

اگر کسی معتقد باشد که رسول اکرم یا امیرالمؤمنین مستقلاً بخواهد مشکل کسی را حل کند شرک و کفر است. ولی اگر چنانچه معتقد باشد که رسول اکرم به اذن الله تبارک و تعالی مشکلات مردم را برطرف می‌کند و خدای عالم به او این اختیار و این قدرت را داده عین توسل است و هیچ اشکالی ندارد.

خداوند متعال به حضرت عیسی قدرت داده که مرده را زنده کند. حال اگر کسی بگوید: "یا عیسی! پدر من را زنده کن" آیا درخواست او شرک است؟ نخیر، چنین نیست. حضرت عیسی پدرش را زنده می‌کند، اما به اذن الهی این کار را انجام می‌دهد.

ان شاء الله ما نظر بزرگان اهل سنت را هم می‌آوریم مبنی بر اینکه اصلاً بحث استغاثه و کمک گرفتن مستقیم از اولیای الهی در حقیقت کمک گرفتن از خدا است.

در حال حاضر این استودیو روشن است. این روشنایی از کجاست؟ از این لامپ است. آیا این لامپ به تنهایی امکان روشنایی دارد؟!

اگر شما این لامپ را درآورید و ۵۰۰ لامپ در این استودیو باشد، اما به جایی متصل نباشد روشنایی نمی‌دهد. ولی به مجرد اینکه به کارخانه برق وصل می‌شود روشنایی می‌بخشد.

ما می‌گوییم لامپ را روشن کن، نمی‌گوییم لامپ را به کارخانه برق وصل کن. حال اگر کسی گفت: "لامپ را روشن کن تا استودیو روشن شود" آیا حرف گزافی زده؟! نخیر!!

مجری:

مثالی قشنگ‌تر و واضح‌تر از این نداریم.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

خیلی واضح و روشن است. وقتی می‌گوییم لامپ کم نور است، لامپ ضعیف است؛ لامپ کم نور نمی‌شود. اگر برق کمتر برسد کم نور است و اگر زیادتر برسد پر نور می‌شود؛ وات لامپ‌ها فرق می‌کند.

به عنوان مثال وقتی به در خانه یک انسان مؤمن یا صالح می‌رویم حاجت‌های کوچک را برآورده می‌کند.

به قول آیت الله سبحانی بعضی امامزاده‌ها سرما خوردگی و آنفولانزا را شفا می‌دهند، بعضی امامزاده‌ها سل و سرطان شفا می‌دهند، همچنین بعضی از ائمه طاهرین (علیهم السلام) هم مرده زنده می‌کنند. تمام این مسائل به قدرت لایزال الهی وصل هستند.

اگر آن قدرت قطع شود، هیچ کاری نمی‌توانند کنند. همان‌طور که اگر این سیم که لامپ را به کارخانه برق متصل کرده قطع شود دیگر لامپ تاریک است و نمی‌تواند جایی را روشن کند. ائمه طاهرین (علیهم السلام) به همین صورت هستند.

مجری:

بسیار عالی؛ مثالی هم که فرمودید مسئله را کاملاً روشن کرد. حال ممکن است کسی در گفتار و بیانش مستقیم از امام رضا حاجت و شفای خود را درخواست کند، اما قطعاً این فکر و اندیشه در یقین و اعتقاد او باشد که هر آن چه اتفاق می‌افتد به اذن الله است.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

من مثال زد؛ اگر شما از پیرمرد یا پیرزنی که سواد علمی بالایی هم ندارد و می‌گوید: "یا امام رضا! مرا شفا بده" سؤال کنند: "امام رضا از پیش خودش شفا می‌دهد یا به قدرت الهی؟!!" او با همان زبان عوامانه‌اش می‌گوید: "امام رضا هر چه دارد از خدا دارد. آبرومند درگاه خداست و خدا این اختیار و این قدرت را به او داده است."

مجری:

استاد! خیلی ممنون خیلی متشکرم. حال وجه مشترکی که وجود دارد قرآن عزیز و شریف است. به هر صورت بعضی افراد هم وجود دارند که تا هرچه پیش می‌آید می‌گویند: "از قرآن برای ما بگویید!!" اگر صلاح می‌دانید همین بحث مشروعیت استغاثه را از قرآن بفرمایید.

مشروعیت «استغاثه» در آیات قرآن کریم

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

سؤال زیبایی است؛ باید بینیم اصلاً استغاثه در قرآن آمده است یا خیر؟! اگر استغاثه در زمان حیات و بعد از رحلت آن بزرگواران تثبیت شد پاسخ خیلی از شبهات داده می‌شود. اگر استغاثه شرک است، فرقی نمی‌کند که استغاثه از انسان زنده باشد یا از مرده باشد.

البته شیعه و سنی معتقدند بر اینکه انبیا و شهدا زنده هستند؛ همچنان که خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید:

(وَ لَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ)

(ای پیامبر) هرگز گمان مبر آن‌ها که در راه خدا کشته شده‌اند مردگانند، بلکه آن‌ها زنده‌اند و نزد پروردگارشان روزی داده می‌شوند.

سوره آل عمران (۳): آیه ۱۶۹

این فرمایش قرآن کریم به این معناست که اموات آبرو و عزت دارند و از عنایات الهی، قدرت الهی و نعمت‌های الهی هم برخوردار هستند.

همچنین آیه ۱۵ از سوره قصص در رابطه با حضرت موسی و شخص شیعه‌ای است. خداوند متعال در این آیه می‌فرماید:

(فَأَسْتَغَاثَهُ الَّذِي مِنْ شِيعَتِهِ عَلَى الَّذِي مِنْ عَدُوِّهِ)

آن یک که از پیروان او بود از وی در برابر دشمنش تقاضای کمک کرد.

سوره قصص (۲۸): آیه ۱۵

طبق این آیه شریفه یکی از دوستان حضرت موسی با یکی از دشمنانش درگیر شده بود که از حضرت موسی استغاثه کرد. مشاهده کنید کلمه استغاثه در قرآن کریم آمده است. همچنین در کتاب «تفسیر قرطبی» جلد سیزدهم ذیل آیه شریفه:

(فَأَسْتَغَاثَهُ الَّذِي مِنْ شِيعَتِهِ)

وارد شده است:

«أَيُّ طَلَبِ نَصْرِهِ وَغَوَاثِهِ»

مرا کمک کن و به داد من برس.

الجامع لأحكام القرآن، اسم المؤلف: أبو عبد الله محمد بن أحمد الأنصاري القرطبي، دار النشر: دار الشعب - القاهرة، ج ۱۳، ص ۲۶۰، باب القصص: (۱۵) ودخل المدينة على...

ما از این آقایان وهابی‌ها سؤال می‌کنیم شما که معتقدید:

(إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ)

(پروردگارا!) تنها ترا می‌پرستیم، و تنها از تو یاری می‌جوئیم.

سوره فاتحه (۱): آیه ۵

چرا در اینجا ذیل آیه شریفه:

(فَاسْتَغَاثَهُ الَّذِي مِنْ شِيعَتِهِ)

وارد شده که حضرت موسی هم او را کمک کرد و خدا هم او را تأیید می‌کند؟! اگر چنانچه استغاثه از پیغمبر شرک و کفر باشد، باید شما بگویید هم شیعه حضرت موسی کافر شد و قتلش واجب است و اعدامش کنیم و حضرت موسی هم که به استغاثه او جواب داده است!!

اگر این‌طور است چه فرقی است بین کسی که بگوید: "یا موسی! کمک کن و به دادم برس" یا در زمان حیات و بعد از رحلت آن بزرگوار بگوید: "یا رسول الله! کمک کن و به دادم برس".

نکته بعدی آیه شریفه ۶۹ سوره یوسف است. زمانی که «بشیر» از طرف حضرت یوسف به طرف کنعان رفت، حضرت یعقوب در اثر شدت گریه چمانش نابینا شده بود؛

(فَلَمَّا أَنْ جَاءَ الْبَشِيرُ أَلْقَاهُ عَلَى وَجْهِهِ فَازْتَدَّ بِصَيْرٍ)

اما هنگامی که بشارت دهنده آمد، آن (پیراهن) را بر صورت او افکند ناگهان بینا شد.

سوره یوسف (۱۲): آیه ۹۶

به فرموده قرآن کریم به خاطر پیراهن حضرت یوسف نابینایی حضرت یعقوب شفا پیدا کرد. آیا پیراهن حضرت یوسف نزد خداوند ارزش بالاتری دارد یا وجود مقدس نبی گرامی اسلام، امیرالمؤمنین، امام حسن، امام حسین و دیگر شهدا ارزش بالاتری دارند!؟

قرآن از این روشن‌تر و واضح‌تر بیان کند؟! مشاهده کنید که ولایت تکوینی از یک پیراهن صادر شده است. در اینجا وارد نشده که خدا او را شفا داده است، بلکه می‌گوید:

(فَازَتْهُ بِصِيرًا)

همین که پیراهن را انداختند روی صورت حضرت یعقوب ایشان بینا شد. آیا این آیه مشروعیت استغاثه و توسل را ثابت نمی‌کند؟!

جالب‌تر از همه این‌ها مشاهده کنید در کتاب «تفسیر بغوی» جلد ۳ ذیل آیه ۳۷ از سوره نمل در رابطه با حضرت سلیمان تفسیری بیان شده است که تقاضا دارم خوب دقت کنید.

دقت کنید وهابیت حاجت خواستن از فرد زنده را عادی می‌شمارند؛ به عنوان مثال مرد به زن می‌گوید: "به من آب بده، به من چای بده" این‌طور حاجت خواستن اشکالی ندارد، زیرا چای دادن در اختیار بشر است.

اگر این شخص از خانمش چیزی بخواهد که دست بشر نیست و در اختیار خداوند است، کفر می‌شود. حالا ما سر در نیاوردیم که وهابیت این ادعا که کمک گرفتن از غیر خدا در مسائل عادی اشکالی ندارد، اما در مسائل غیرعادی حرام است را از کجا درآوردند!!

حال آقایان بگویند پیراهن حضرت یوسف که کور را بینا می‌کند، دست بشر است؟! امری عادی است یا غیر عادی؟!

ممکن است این افراد در مورد حضرت موسی ادعا کنند که شیعه استغاثه کرد و او سنگی را بر سر طرف مقابل کوبید و سر او را مجروح کرد، اما حضرت سلیمان در اینجا امری خارق العاده از اطرافیانش می‌خواهد که دست بشر از آن کوتاه است. در این آیه وارد شده است:

(يا أَيُّهَا الْمَلَأُوا أَيُّكُمْ يَأْتِينِي بِعَرْشِهَا قَبْلَ أَنْ يَأْتُونِي مُسْلِمِينَ)

(سلیمان) گفت، ای بزرگان! کدامیک از شما توانایی دارید تخت او را پیش از آنکه خودشان نزد من آیند

برای من بیاورید!؟

سوره نمل (۲۷): آیه ۳۸

تاج و تخت «بلقیس» چند کیلو بوده است؟! طبق آنچه گفته شده تاج و تخت و تشکیلات او بزرگ سلطنتی بوده است.

انتقال دادن چنین تاج و تختی در یک چشم به هم زدن به مسافت هزاران کیلومتر عادی است یا غیرعادی؟! طبیعی است یا غیر طبیعی است؟! آیا بشر می‌تواند همچنین کاری انجام دهد یا نمی‌تواند انجام دهد؟! خداوند متعال در آیه بعد می‌فرماید:

(قَالَ عَفْرِيتٌ مِنَ الْجِنِّ اَنَا اَتِيكَ بِهٖ قَبْلَ اَنْ تَقُوْمَ مِنْ مَّقَامِكَ)

عفريتی از جن گفت: من آن را نزد تو می‌آورم پیش از آنکه از مجلست برخیزی.

(وَ اِنِّي عَلِيْهِ لَقَوِي اٰمِيْن)

و من نسبت به آن توانا و امینم!

سوره نمل (۲۷): آیه ۳۹

اگر ما می‌گوییم: "یا امام رضا! شفا بده!" می‌دانیم امام رضا به حول و قوه الهی قدرت شفا دادن دارد.

در مقابل اجنه‌ای می‌گوید: "یا سلیمان! قبل از این که از جای خود بلند شوی تخت «بلقیس» را نزد تو می‌آورم!!"

آیا تقاضای حضرت سلیمان مبنی بر آوردن تخت استغاثه و طلب هست یا نیست؟! آیا آوردن تخت «بلقیس» از فاصله هزار کیلومتر تا آنجا سخت‌تر است یا شفا دادن یک مریض سخت‌تر است؟! ولی حضرت سلیمان قانع نشد و فرمود: "دو سه ثانیه زیاد است!!"

(قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ يَرْتَدَّ إِلَيْكَ طَرْفُكَ)

(اما) کسی که دانشی از کتاب (آسمانی) داشت گفت: من آن را پیش از آنکه چشم بر هم زنی نزد تو خواهم آورد!

(فَلَمَّا رَأَهُ مُسْتَقِرًّا عِنْدَهُ قَالَ هَذَا مِنْ فَضْلِ رَبِّي لِيَبْلُوَنِي أَ أَشْكُرُ أَمْ أَكْفُرُ وَمَنْ شَكَرَ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ رَبِّي غَنِي كَرِيمٌ)

و هنگامی که (سلیمان) آن را نزد خود مستقر دید گفت: این از فضل پروردگار من است تا مرا آزمایش کند که آیا شکر او را بجا می‌آورم یا کفران می‌کنم؟

سوره نمل (۲۷): آیه ۴۰

آیا چنین امری به قدرت خود اوست یا خدا چنین قدرتی به او داده است؟! خدایی که به «عاصف بن برخیا» قدرتی داده که قبل از چشم بهم زدن تشکیلات و تاج و تخت «بلقیس» را پیش حضرت سلیمان بیاورد عاجز است که به پیغمبر هم قدرت بدهد؟!

آیا خداوند عاجز از این است که به پیغمبر اکرم قدرت بدهد تا مریض را شفا دهد، مشکل مردم را حل کند و حاجت مردم را برآورده کند یا خیر؟!

خدا قادر است یا قادر نیست؟! وهابیت ادعا می‌کنند خداوند قدرت دارد تا هزار خدا همانند خود را خلق کند!!
این خدایی که می‌تواند هزار خدا همانند خودش خلق کند آیا می‌تواند قدرتی به پیغمبر اکرم بدهد تا مشکلات
مردم را حل کند؟! آقای «بغوی» می‌گوید:

«وقال أكثر المفسرين هو آصف بن برخيا وكان صديقا يعلم اسم الله الأعظم»

اکثر مفسرین می‌گویند او آصف بن برخیا یکی از دوست‌داران حضرت سلیمان بوده است. کسی که
اسم اعظم خدا را می‌داند.

«آصف بن برخیا» وزیر یا یکی از کارکنان حضرت سلیمان اسم اعظم خدا را بلد است، حال می‌پندارید پیغمبر
اکرم، امیرالمؤمنین و ائمه اطهار (علیهم السلام) اسم اعظم خدا را ندارند؟!!

آیا خدایی که اسم اعظم را به «آصف بن برخیا» داده عاجز است اسم اعظم را به ائمه طاهرین یا رسول گرامی
اسلام پیامورد؟!!

«الذی إذا دعی به أجاب وإذا سئل به أعطی»

اسمی اعظمی که اگر کسی بتواند آن را به کار ببرد دعایش به اجابت می‌رسد.

تفسیر البغوی، اسم المؤلف: البغوی، دار النشر: دار المعرفة - بیروت، تحقیق: خالد عبد الرحمن العک، ج ۳، ص

۴۲۰، باب النمل: (۴۰) قال الذی عنده... ..

عزیزان دقت کنید آیا این موارد از مصادیق توسل است، یا خیر؟! همچنین در کتاب «تفسیر» اثر آقای «ابن
کثیر» جلد ششم وارد شده است: "کسی که گفت: من در یک چشم بهم زدن تخت «بلقیس» را می‌آورم،
«آصف» کاتب، نویسنده و منشی حضرت سلیمان بوده است."

درجه این شخص زیاد هم بالا نبوده است؛ منشی حضرت سلیمان این قدرت را دارد که در یک چشم بهم زدن تاج و تخت «بلقیس» را نزد حضرت سلیمان بیاورد.

اینکه تاج و تخت «بلقیس» چند کیلو وزن داشته ارتباطی به ما ندارد، اما آیا اینکه در یک چشم بهم زدن این تخت چند کیلومتر انتقال پیدا کند خلاف شرع و حرام است؟!

آقایان وهابی ها زمان حضرت سلیمان بودند قطعاً هم ایشان را به دلیل استغاثه کردن کافر می دانستند و هم «آصف بن برخیا» را به دار می کشیدند. همچنین امکان داشت سر آنها را قطع کنند و همانند سلاحها پوستشان را زنده زنده بکنند!

این مطالب نشان می دهد که بحث استغاثه در قرآن یک بحث خیلی رایج و کامل و مقبول است، همچنان که قرآن کریم می فرماید:

(فَاسْتِغَاثَهُ الَّذِي مِنْ شِيعَتِهِ عَلَى الَّذِي مِنْ عَدُوِّهِ)

همچنین در رابطه با آیه ۲۴۸ از سوره مبارکه بقره که می فرماید:

(إِنَّ آيَةَ مُلْكِهِ أَنْ يَأْتِيَكُمُ التَّابُوتُ فِيهِ سَكِينَةٌ مِّنْ رَبِّكُمْ وَبَقِيَّةٌ مِّمَّا تَرَكَ آلُ مُوسَىٰ وَآلُ هَارُونَ تَحْمِلُهُ الْمَلَائِكَةُ)

نشانه حکومت او، این است که (صندوق عهد) به سوی شما خواهد آمد. (همان صندوقی که) در آن، آرامشی از پروردگار شما، و یادگارهای خاندان موسی و هارون قرار دارد.

سوره بقره (۲): آیه ۲۴۸

کاملاً واضح و روشن که این موارد از مصادیق بارز استغاثه خدای عالم هم استغاثه را تأیید نموده است.

مجری:

خیلی متشکرم. این برنامه زنده «اخلاق علوی» است که از «شبکه جهانی ولایت» تقدیم حضور شما می‌شود.

ما در مورد استغاثه و مشروعیت استغاثه صحبت می‌کنیم. ان‌شاءالله برنامه مورد توجه شما باشد. برویم یک بخش کوتاهی را ببینیم و سپس برگردیم و بازهم در خدمت استاد خواهیم بود.

همچنان نام مولا امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) در میان برنامه‌هایی که پخش می‌شود و مباحثی که مطرح می‌شود زینت بخش برنامه ماست. مگر می‌شود از مطلبی صحبت بشود و نام زیبای امیرالمؤمنین در کنار آن نباشد.

در کلام ما، گفتگوی ما، میان برنامه، تیتراژ و همه جا باید این نام زیبا و صفات وجود نازنین حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) باید باشد.

ان‌شاءالله خداوند متعال یک شب جمعه زیارت حضرت سید الشهداء و حضرت ابوالفضل العباس را در کربلا نصیبتان کند، قبل یا بعد از آن هم با امنیت کامل به زیارت قبر امیرالمؤمنین در نجف بروید.

این آرزوی من برای همه شما بینندگان بزرگواری است که با «شبکه جهانی ولایت» همراه هستید؛ مخصوصاً بینندگان عزیز خارج از کشور که می‌دانم خیلی مشتاق زیارت اهل بیت عصمت و طهارت هستید.

راه‌های ارتباطی بازهم برای شما زیرنویس می‌شود تا اگر دوست داشتید به ما پیام بدهید و ان‌شاءالله بتوانیم در فرصتی که دوستان در اختیار من قرار می‌دهند پیام‌های شما را بخوانم.

ما تا الآن دو موضوع را در برنامه بحث کردیم؛ یکی بحث مشروعیت استغاثه از نگاه ائمه اطهار (علیهم السلام) بود که جناب استاد از قول امام صادق (علیه السلام) نقل کردند که حضرت فرمودند: "شعار ما «یا محمد»

هست. شعار امام حسین هم «یا محمد» بوده است!!"

استاد همچنین چند مورد روایت در این زمینه بیان فرمودند. سپس بحث مشروعیت استغاثه از نگاه قرآن هم بیان شد.

در این زمینه چند مورد از آیات قرآن از جمله داستان حضرت یوسف، حضرت یعقوب و حضرت سلیمان بیان شد. این داستان‌ها در قرآن کریم به وضوح و روشنی آمده و دلیل محکمی بر بحث استغاثه است.

استاد! شاید عزیزان اهل سنت ما هم الان بیننده برنامه ما باشند و برایشان خیلی مهم است ببینند که آیا علما یا بزرگان‌شان نظری در این زمینه دارند، یا خیر؟! در این صورت دیگر خیالشان از این بابت راحت می‌شود.

مشروعیت توسل از منظر علمای اهل سنت

آیت الله دکتر حسینی قزوینی

ما قبلاً هم این مطالب را مطرح کردیم و شاید در ذهن بعضی از عزیزانمان باشد. بنده دو یا سه مورد می‌آورم، بعد ان شاء الله بحث‌های بعدی را عرض خواهیم کرد. جناب آقای «سبکی» در کتابی به نام «شفاء السقام فی زیارة خیر الأنام» می‌گوید: "بدان و یقین داشته باش توسل و استغاثه و تشفع به نبی گرامی اسلام جایز و خوب است و جواز و حسن آن از اموری است که برای هر دینداری روشن است. این کار از فعل انبیا و مرسلین است."

به عبارت بهتر هم به انبیا و مرسلین استغاثه می‌شد و هم آن‌ها به انبیا قبلی و نبی گرامی اسلام استغاثه می‌کردند. او سپس می‌گوید: "سیره سلف صالح و علما و عوام مسلمین هم این بوده است تا زمانی که «ابن تیمیه» آمد و امر را بر مردم مشتبه کرد."

حال توجه داشته باشید آقای «سبکی» کیست؟ برخی ادعا می‌کنند آقای «سبکی» صوفی بوده است، اما مشاهده کنید که آقای «ذهبی» در کتاب «المعجم المختص بالمحدثین» در رابطه با «سبکی» می‌گوید:

«القاضی الإمام العلامة الفقیه المحدث الحافظ فخر العلماء تقی الدین أبو الحسن السبکی»

این شخص امام، علامه، فقیه، محدث، حافظ و فخر علماست. وقتی که این افراد فخر العلمای خود را صوفی می‌خوانند، حساب دیگران پاک است. او در ادامه می‌گوید:

«وكان صادقاً متثبتاً خيراً دیناً متواضعاً حسن السمت من أوعية العلم یدری الفقه»

المعجم المختص بالمحدثین، اسم المؤلف: محمد بن أحمد بن عثمان بن قایماز الذهبی أبو عبد الله، دار النشر:

مکتبة الصدیق - الطائف - ۱۴۰۸، الطبعة: الأولى، تحقیق: د. محمد الحبیب الهیلة، ج ۱، ص ۱۶۶، ح ۲۰۴

ایشان که به تعبیر آقای «ذهبی» دریا و اقیانوس علم بوده است، می‌گوید: "استغاثه جایز و خوب است؛ از فعل انبیاء، علما و سیره سلف صالح هم بوده است!!" «آقای سمهودی» در کتاب «وفاء الوفا» جلد چهارم صفحه ۱۹۳ هم همین را دارد و می‌گوید:

«اعلم أن الاستغاثة والتشفع بالنبی صلی الله علیه وسلم وبجاهه وبرکته إلى ربه تعالی من فعل الأنبياء

والمرسلین، وسیر السلف الصالحین»

استغاثه و تشفه به نبی مکرم و به جاه و برکت او از کار انبیا و مرسلین و سیره سلف صالح بوده است.

وفاء الوفاء بأخبار دار المصطفی، المؤلف: علی بن عبد الله بن أحمد الحسنی الشافعی، نور الدین أبو الحسن

السمهودی (المتوفی: ۹۱۱ هـ)، الناشر: دار الکتب العلمیة - بیروت، الطبعة: الأولى - ۱۴۱۹، ج ۴، ص ۱۹۳، الفصل

الثالث فی توسل الزائر

به عبارت بهتر انبیاء (علیهم السلام) به نبی مکرم اسلام استغاثه می‌کردند. سیره سلف صالح هم چنین است.

حال آقایان و وهابی‌هایی که به سیره گذشتگان عمل می‌کنند و ادعا می‌کنند ما سلفی هستیم و سلف صالح را الگو قرار می‌دهیم دقت کنند که آقای «سمهودی» می‌گوید: "قبل از خلقت پیغمبر، بعد از خلقت پیغمبر، در حیات دنیوی، برزخ و عرصات قیامت استغاثه به نبی مکرم هیچ اشکالی ندارد."

آقای «سمهودی» کیست؟ در کتاب «شذرات الذهب» اثر «ابن عماد» وارد شده است:

«بالسمهودی نزیل المدينة المنورة وعالمها ومفتيها ومدرستها ومؤرخها الشافعي الإمام القدوة الحجة
المفئن»

سمهودی ساکن مدینه منوره بود، عالم مدینه بود، مفتی مدینه بود، مدرس مدینه بود. او امام و قدوه و حجت و مفئن بود.

شذرات الذهب في أخبار من ذهب، اسم المؤلف: عبد الحى بن أحمد بن محمد العكرى الحنبلى، دار النشر: دار
بن كثير - دمشق - ١٤٠٦ هـ، الطبعة: ط ١، تحقيق: عبد القادر الأرناؤوط، محمود الأرناؤوط، ج ٨، ص ٥٠، باب سنة
إحدى عشرة وتسعمائة

عالم و مفتی مدینه چنین نظری دارد، حال اگر وهابیت نظر او را قبول ندارند و می‌خواهند به سراغ دیگران بروند
ما حرفی نداریم!!

همچنین جناب آقای «نبهانی» در کتاب «شواهد الحق فی الاستغاثة بسید الخلق» که کتابی در مورد استغاثه
است تعبیری بیان کرده است. «آقای نبهانی» که شیعه و صوفی هم نبوده تعبیری دارد که می‌گوید:

«الاستغاثة به صلى الله عليه وسلم من الأمور المعلومة من الدين بالضرورة عند جميع العلماء والعوام من
أهل الإسلام»

استغاثه به پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) از مباحث ضروری دینی نزد جمیع علماء و عوام از اهل اسلام است.

او سپس می نویسد:

«وابن حجر فی [الجوهر المنظم] بکفر المانعین لذلك»

ابن حجر در کتاب الجوهر المنظم فتوا به کفر کسانی صادر کرده که مانع استغاثه پیغمبر اکرم شوند.

شواهد الحق فی الاستغاثه بسید الخلق، المؤلف یوسف بن إسماعیل النبھانی، ص ۱۴۳

به عبارت دیگر «ابن حجر» فتوا به کفر تمام وهابیت صادر کرده است. من نمی دانم این آقایان دنبال چه هستند؟ در مورد آقای «نبهانی» تعبیری وارد شده است که می گوید:

«الإمام الفاضل، والھمام الكامل، والجهذ الأبر، اللوذعی الأریب، والألمعی الأدیب، ولدنا الشیخ یوسف بن

الشیخ إسماعیل النبھانی الشافعی»

نبهانی امام، فاضل، شخصیت برجسته بوده و در علم به مرتبه کمال رسیده و جزو نوابغ عصر خود بوده است.

حلیة البشر فی تاریخ القرن الثالث عشر، اسم المؤلف: عبد الرزاق بن حسن بن إبراهيم البیطار (المتوفی :

۱۳۳۵ھ)؛ ج ۲، ص ۱۹۸

آقای «ابن صلاح» در کتاب «فتاوی و مسائل ابن صلاح» که یکی از کتب معتبر اهل سنت است، کتاب درسی است و در بعضی از حوزه های علمیه تدریس می شود این مسائل را مفصل مطرح می کند تا جایی که می گوید:

«وإجابات المتوسلین به فی حوائجهم»

اینکه نبی گرامی اسلام حاجت کسانی که به ایشان متوسل می شود را می دهد.

«ومغوثاتهم عقیب توسلهم به فی شداثدهم»

و کسانی که در گرفتاری ها استغاثه می کنند.

«براهین له صلی الله علیه وسلم قواطع»

برهان و ادله قاطع داریم.

این که نبی مکرم به توسلات مردم عنایت دارد و حوائجشان را می دهد همچنین به داد کسانی که استغاثه می کنند می رسد خود برهان قاطع دارد و دلیل کوبنده دارد.

«ومعجزات له سواطع ولا یعدها عد ولا یحصرها حد»

مردم به قدری از این استغاثه ها و از این توسلات حاجت گرفته اند که همه از معجزات روشن نبی مکرم اسلام است. هیچ کسی نمی تواند این معجزات پیغمبر در توسلات و استغاثه ها را بشمارد و کسی هم نمی تواند عددش را معین کند.

بعد می گوید:

«أعاذنا الله من الزيغ عن ملته»

خدا ما را پناه بدهد از این که از ملت پیغمبر گمراه شویم.

فتاوی ابن الصلاح، المؤلف: عثمان بن عبد الرحمن، أبو عمرو، تقی الدین المعروف بابن الصلاح (المتوفی: ۶۴۳ هـ)، المحقق: د. موفق عبد الله عبد القادر، الناشر: مكتبة العلوم والحكم، عالم الكتب - بیروت، الطبعة: الأولى،

۱۴۰۷، ج ۱، ص ۲۱۰، باب القسم الثالث

در کتاب «المدخل» از «ابن الحاج» یکی از فقهای بزرگ مالکی مذهب جلد اول مطلبی وارد شده است. ایشان می‌گویند: کسانی که به مدینه می‌روند علاوه بر این که به پیغمبر متوسل می‌شوند، به اصحاب پیغمبر هم متوسل شوند؛

«ثُمَّ يَتَوَسَّلُ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى بِهِمْ فِي قَضَاءِ مَآرِبِهِ وَمَغْفِرَةِ ذُنُوبِهِ وَيَسْتَعِيثُ بِهِمْ»

سپس می‌نویسد:

«وَيَطْلُبُ حَوَائِجَهُ مِنْهُمْ»

حوائجشان را مستقیم بخواهند.

در این بیان وارد شده که حوائج خود را به صورت مستقیم از اصحاب و صحابه پیغمبر بخواهند، نه این که بگویند شما از خدا حاجت ما را بگیرید. به عنوان مثال بگویند: «یا ابوذر»، «یا سلمان»، «یا مالک» حاجت مرا مستقیم برآورده کن.

«وَيَجْزِمُ بِالْإِجَابَةِ بِبَرَكَتِهِمْ»

یقین داشته باشد به برکت این افراد حاجت او برآورده می‌شود.

سپس می‌گوید:

«فَمَنْ تَوَسَّلَ بِهِ»

هر کس به پیغمبر متوسل شود.

«أَوْ اسْتَعَاثَ بِهِ، أَوْ طَلَبَ حَوَائِجَهُ مِنْهُ»

به پیغمبر توسل کند و حاجتش را مستقیم از او بخواهد.

«فَلَا يَرُدُّ وَلَا يَخِيبُ»

این حاجت رد شدنی نیست و او به هیچ وجه نا امید نمی شود.

«لَمَّا شَهِدَتْ بِهِ الْمُعَايِنَةُ، وَالْآثَارُ»

تجربه‌ها و برکات زیادی از توسل و استغاثه به پیغمبر اکرم نقل شده است.

المدخل، المؤلف: أبو عبد الله محمد بن محمد بن محمد العبدري الفاسي المالكي الشهير بابن الحاج (المتوفى:

٧٣٧ هـ)، الناشر: دار التراث، الطبعة: بدون طبعة وبدون تاريخ، ج ١، ص ٢٥٨، فَضْلُ زِيَارَةِ سَيِّدِ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ

آفتاب آمد دلیل آفتاب!! ایشان می گوید: مردم حوائجشان را از نبی مکرم گرفته‌اند، استغاثه کردند، نتیجه گرفتند و الی ماشاءالله هم آثار و برکات داشته است.

آقای «ابن حجر» هم در این زمینه حرف زیبایی می زند و جواب وهابی‌ها را می دهد. او می گوید: "شما که مستقیم یا رسول الله می گوئید، در حقیقت حاجت از غیر الله می خواهید."

آقای «ابن حجر هیثمی» در کتاب «الجواهر المنظم فی زیارة قبر الشریف النبی المکرم» به نقل آقای نبهانی می گوید:

«المستغاث به في الحقيقة هو الله تعالى»

استغاثه به رسول الله در حقیقت استغاثه به خداوند متعال است.

«و أما النبي صلى الله عليه وسلم فهو واسطة بينه وبين المستغيث»

پیغمبر بین کسی که استغاثه می کند و خدای عالم واسطه است.

« فهو سبحانه وتعالى مستغاث به حقيقة »

وقتی به پیغمبر متوسل می‌شویم در حقیقت از خداوند حاجت خواستیم.

شواهد الحق فی الاستغاثة بسید الخلق، المؤلف یوسف بن إسماعیل النبهانی، ص ۱۶۸

طبق همان مثالی که من زدم وقتی می‌گوییم: لامپ را روشن کن تا اتاق روشن شود. در حقیقت آمده‌ام می‌خواهم از آن قدرت کارخانه برق استفاده کنم تا اتاق روشن شود. حال من بدانم این لامپ متصل به آنجا است یا ندانم، این لامپ و این کلید کاری نمی‌کند.

لامپ فقط ما را به کارخانه برق متصل می‌کند، اما ظاهراً روشنایی از این لامپ است. بعد ایشان می‌گویند: "اصلاً خلقاً و ایجاداً، تمام آن دست خدای عالم است." بعد به آیه شریفه:

(وَمَا رَمَيْتُ إِذْ رَمَيْتُ وَلَكِنَّ اللَّهَ رَمَى)

و این تو نبودی (ای پیامبر که خاک و ریگ به صورت آنها) پاشیدی بلکه خدا پاشید.

سوره انفال (۸): آیه ۱۷

استناد می‌کند. حتی خدای عالم می‌گوید: درست است ظاهراً تو این تیر را می‌اندازی، اما در حقیقت این خداست که تیر می‌اندازد. به عبارت دیگر خداست که این قدرت و اراده را به او داده است و مشیت خدا به این تعلق گرفته است.

معنای این آیه شریفه این است که اگر کسی به من استغاثه کند؛

«والمستغاث به فی الحقیقة هو الله»

خدا این قدرت را به پیغمبر اکرم، امیرالمؤمنین و امام حسین داده است که وقتی ما بگوییم: "یا امام حسین! حاجت مرا بده"؛ در حقیقت داریم می‌گوییم: "خدایا! حاجت مرا بده!!" ظاهراً این قضیه مثل همان قضیه لامپ است.

همچنین از آقای «محمد عابد سندی» که از فقهای اهل سنت است و شرح مفصلی هم بر «سنن نسایی» دارد نقل شده که ایشان می‌گوید:

«فلا يخفى أن قول القائل أغثنى يا رسول الله»

اگر کسی بگوید: "یا پیغمبر! به دادم برس، مرا شفا بده، مشکلم را حل کن."

«ما أراه مستنكرا»

کار بد و منکری نیست.

«و لا مستقبحا»

کار قبیحی نیست.

ایشان خیلی واضح می‌گوید: حاجت خواستن از پیغمبر اکرم اصلاً و ابداً هیچ اشکالی ندارد. همچنین آخرین جمله من از کتاب «مرقاة المفاتیح» اثر «ملاً علی قاری» یکی از علمای بزرگ احناف است و برای او احترام زیادی قائل هستند.

در کتاب «مرقاة المفاتیح» که متن آن توسط «ملاً علی قاری» و شرح آن توسط «عبدالله خطیب تبریزی» نوشته شده جلد ۴ در رابطه با توسل و استغاثه آمده است:

«إذا تحيرتم في الأمور فاستعينوا بأهل القبور»

اگر در کاری حیران مانند از اهل قبور استعانت بجوئید.

مرقاة المفاتيح شرح مشكاة المصابيح، اسم المؤلف: علي بن سلطان محمد القاري، دار النشر: دار الكتب العلمية

- لبنان / بيروت - ١٤٢٢ هـ - ٢٠٠١ م، الطبعة: الأولى، تحقيق: جمال عيتاني، ج ٤، ص ٢٢١، ح ١٧٦٩

آقایان وهابی حاضرید کفر «ملاً علی قاری» را اثبات کنید؟! ایشان به صراحت می گوید:

«فاستعينوا بأهل القبور»

آقایانی که استغاثه را قبرپرستی می نامند، توجه داشته باشند این عبارت اثر «ملاً علی قاری» یکی از فقهای نامی آقایان حنفی هست.

بنابراین تمام حرفهایی که وهابیت در مورد استغاثه می زنند، شعاری است که پشتوانه علمی و قرآنی ندارد، بلکه قرآن بر خلاف نظر وهابیت است. این ادعاها پشتوانه روایی ندارد بلکه پشتوانه روایی همه خلاف نظر اهل سنت است.

علمای اهل سنت این ادعا را تأیید نمی کند بلکه نظر علمای اهل سنت بر خلاف نظر وهابیت است.

مجری:

استاد تفاوتی بین استغاثه و توسل وجود دارد؟

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

توسل این است که ما به نبی اکرم متوسل شویم و او را واسطه بین خودمان و خدا قرار دهیم. توسل این است که بگوییم: "یا رسول الله! از خدا بخواه حاجت مرا برآورده کند." توسل یعنی وسیله و واسطه ما به سوی خداوند!!

استغاثه حاجت خواستن مستقیم از رسول گرامی اسلام است. استغاثه به این معناست که بگوییم: "یا رسول الله! حاجت مرا بده!!" بین توسل و استغاثه تفاوت وجود دارد؛ وهابیت استغاثه را مطلقاً کفر و شرک می‌خوانند، اما در توسل تفکرات شیطانی درست کردند.

وهابیت معتقدند میان توسل جایز و توسل غیر جایز تفاوت وجود دارد!! توسل به دعای نبی اشکال ندارد، توسل به ذات نبی حرام و کفر و شرک است، توسل به جاه نبی بدعت است.

وهابیت حرف‌های بی‌اساسی زیادی می‌زنند. همچنین این نظریه خلاف نظریه علمای اهل سنت است.

مجری:

خیلی عالی شد، حتماً دوستان خوب بیننده به ویژه بزرگواران اهل سنت که با «شبکه جهانی ولایت» همراه هستند یا بعداً برنامه را می‌بینند دیدند که از این قبیل روایت زیاد است. به دلیل اینکه ما چون محدودیت وقت داریم استاد به برخی از آن‌ها اشاره کردند.

ما نظر علمای اهل سنت در رابطه با استغاثه آن هم علمای درجه یک که مورد قبول و پذیرش عوام هستند را مطرح کردیم.

استاد بنده می‌خواهم یک سؤال دیگر هم بپرسم تا کار تکمیل شود؛ آیا نمونه یا مواردی در تاریخ، کتاب‌ها یا روایات بوده که علمای اهل سنت استغاثه کرده باشند و حاجت هم گرفته باشند؟!

استغاثه به قبر مطهر پیغمبر اکرم توسل علمای اهل سنت

آیت الله دکتر حسینی قزوینی

مواردی از این قبیل فراوان است؛ من نمونه‌هایی از توسل علمای اهل سنت که مستقیم از پیغمبر حاجت خواستند و حاجت گرفتند را بیان می‌کنم.

عزیزان این را دقت کنند که ما اقوال علمای اهل سنت را بیان کردیم، حال سیره و کردار علمای اهل سنت را بیان می‌کنیم.

نمونه اول از کتاب آقای «قسطلانی» یکی از علمای بزرگ اهل سنت و شارح کتاب «صحيح بخارى» است. او کتابی با عنوان «المواهب اللدنية بالمنح المحمدية» دارد که در جلد سوم به طور مفصل می‌گوید: "کسی که به زیارت قبر پیغمبر می‌رود، آن جا دعا و تضرع کند و به نبی مکرم اسلام استغاثه کند." سپس می‌گوید:

«واعلم أن الاستغاثة هي طلب الغوث»

استغاثه به معنای فریادخواهی مستقیم از پیغمبر اکرم است.

بعد ایشان می‌گوید: "توسل و استغاثه به جاه و حق پیغمبر اکرم قبل از خلقت و بعد از خلقت آن بزرگوار وجود دارد." ایشان در همین کتاب صفحه ۶۰۴ می‌گوید:

«ولقد كان حصل لي داء أعيا دواؤه الأطباء»

من بیماری گرفته بودم که پزشکان در معالجه آن عاجز ماندند.

«وأقمت به سنين، فاستغثت به - صلى الله عليه وسلم»

مدتی در مدینه بودم و به پیغمبر اکرم استغاثه کردم و از او شفا خواستم.

دقت کنید او نمی‌گوید: "از خدا شفا خواستم!" بلکه می‌گوید: "از پیغمبر اکرم شفا خواستم!!"

«ليلة الثامن والعشرين من جمادى الأولى سنة ثلاث وتسعين وثمانمئة بمكة زادها الله شرفا»

من تا شب بیست و هشتم از ماه جمادی الاولی سال هشتصد و نود هجری در مکه بودم.

«ومنّ على بالعود في عافية بلا محنة»

خدای عالم به من عافیت داد.

«فبينا أنا نائم إذ جاء رجل معه قرطاس يكتب فيه:»

من خوابیده بودم، دیدم مردی آمد که کاغذی در دست دارد. در آن کاغذ نوشته شده بود:

«هذا دواء لداء أحمد بن القسطلاني من الحضرة الشريفة بعد الإذن الشريف النبوي»

این دوی بیماری قسطلانی از طرف نبی مکرم اسلام است بعد از اینکه حضرت اذن داد.

«ثم استيقظت فلم أجد بي - والله - شيئاً مما كنت أجد»

وقتی بیدار شدم دیدم آثاری از بیماری در من نیست.

این شخص می‌گوید: "استغاثه کردم و در خواب دیدم که در نامه‌ای به من داده شده که در آن نوشته شده بود:

این دوی درد قسطلانی از طرف نبی مکرم با اذن است."

مشاهده کنید که او نمی‌گوید: "خدا به واسطه پیغمبر اکرم شفا داد"، بلکه می‌گوید: "پیغمبر اکرم این دارو را برای

من فرستاده است!!" این شخص مستقیماً استغاثه کرده است. ایشان بازهم می‌گوید:

«ووقع لي أيضا في سنة خمس وثمانين وثمانمائة في طريق مكة، بعد رجوعي من الزيارة الشريفة لقصد

مصر، أن صرعت خادمنا غزال الحبشية، واستمر بها أياماً»

در سال هشتصد و هشتاد و پنج که من به مکه می‌رفتم، موقع برگشتن به قصد مصر خادمه من «غزال

حبشیه» مبتلا به بیماری صرع شد.

صرع بیماری است که گاهی اوقات بر کسی عارض می‌شود و او از حالت طبیعی بیرون می‌برد و رعشه و بدن لرزه بر او عارض می‌شود تا جایی که بیهوش می‌افتد. در فارسی هم به آن غش کردن یا صرع می‌گویند. او سپس می‌گوید:

«فاستشفعت به- صلی الله علیه وسلم- فی ذلک»

از پیغمبر خواستم که واسطه شود تا خادمه من شفا پیدا کند.

«فأتانی آت فی منامی، ومعه الجنی الصارع لها»

بعد یک نفر در خواب من آمد که داروی جن زدگی یا صرع همراه او بود.

«فقال: لقد أرسله لك النبی- صلی الله علیه وسلم-»

او گفت: پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) این دوا را برای تو فرستاده است.

«فعاتبته وحلفته أن لا يعود إليها»

او جنی که باعث صرع خادمه می‌شد را قسم داد و گفت دیگر حق نداری به خادمه قسطلانی نگاه کنی.

«ثم استيقظت وليس بها قلبة كأنما نشطت من عقال»

وقتی از خواب بیدار شدم دیدم اصلاً دیگر آثاری از صرع و غش در خادمه من نیست.

المواهب اللدنیة بالمنح المحمدیة، المؤلف: أحمد بن محمد بن أبی بکر بن عبد الملك القسطلانی القتیبی المصری، (المتوفی: ۹۲۳ هـ)، الناشر: المكتبة التوفیقیة، القاهرة- مصر، ج ۳، ص ۶۰۴ تا ۶۰۶، الفصل الثانی فی

زیارة قبره الشریف ومسجده المنیف

والله بالله «قسطلانی» شیعه نبوده بلکه یکی از علمای بزرگ اهل سنت و شارح کتاب «صحیح بخاری» هست.

نمونه دوم در کتاب «تاریخ دمشق» در رابطه با «محمد بن منکدر» داستانی نقل شده است. ایشان مسائل مفصلی دارد از جمله اینکه داستانی با این مضمون نقل می‌کند:

مردی از یمن با پدرش خداحافظی کرد و می‌خواست به جهاد برود. او هشتاد دینار به پدرش داد. او به جهاد رفت و زمانی که برگشت، گفت: "پدر! پول مرا بده"، اما پدر او هیچ پولی نداشت. سپس؛

«وبات فی المسجد متلوذا بقبر رسول الله مرة وبمنبره مرة حتی کاد یصیح»

او نزد قبر پیغمبر رفت، به قبر و منبر آن بزرگوار چسبید و تا صبح همین طور گریه می‌کرد.

«فإذا شخص فی السواد یقول له دونکها یا محمد»

تا این که در همان تاریکی فردی آمد و گفت: بگو یا محمد!

مراد این شخص این بود که به طرف ضریح توجه کن و از پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) کمک بگیر.

«قال فمد یده فإذا صرة فیها ثمانون دینارا»

او دست خود را طرف ضریح نبی گرامی اسلام دراز کرد و دید کیسه‌ای وجود دارد. وقتی کیسه را باز کرد دید دقیقاً هشتاد دینار داخل آن وجود دارد.

تاریخ مدینه دمشق و ذکر فضلها وتسمیه من حلها من الأمائل، اسم المؤلف: أبی القاسم علی بن الحسن ابن

هبة الله بن عبد الله الشافعی، دار النشر: دار الفکر - بیروت - ۱۹۹۵، تحقیق: محب الدین أبی سعید عمر بن غرامة

العمری، ج ۵۶، ص ۶۱، ح ۷۰۳۴

او دست خود را مستقیماً طرف ضریح مطهر نبی مکرم اسلام دراز کرد و همان چیزی که نیاز داشت را به دست

آورد. این روایت در کتب ما نیست بلکه نه «تاریخ دمشق» برای ماست و نه «محمد بن منکدر» برای ماست!!

نمونه سوم که داستان جالبی است از قول آقای «ابن جوزی» یکی از علما و فحول اهل سنت است. او در کتاب «المنتظم» که یکی از کتاب‌های مفصل و مورد اعتماد است، ماجرای نقل می‌کند که روایت نیست. او می‌گوید: آقای «ابو زرعه طبری» می‌گوید: "من با پدرم به مکه رفتم، اما موقع برگشتن گرفتار شدیم و همه دارایی خود را از دست دادیم. آن زمان من هنوز بالغ نشده بودم. وقتی به مدینه آمدم، گفتم: بابا من گرسنه هستم، چکار کنیم؟" پدرم مرا کنار ضریح نبی مکرم آورد و گفت:

«یا رسول الله أنا ضیفک اللیلة»

پیغمبر! ما مهمان تو هستیم و گرسنه هم هستیم.

«وجلس فلما کان بعد ساعة رفع رأسه وجعل یبکی ساعة ویضحک ساعة»

همین‌طور ساعتی نزد قبر رسول اکرم نشسته بودیم در حالی که پدرم گاه گریه می‌کرد و گاه می‌خندید.

«فقال رأیت رسول الله صلی الله علیه و سلم فوضع فی یدی دراهم»

می‌گوید پیغمبر را در خواب دیدم، ایشان چند درهم در دست من گذاشت.

«ففتح یده فغذا فیها دراهم»

بیدار شدم دیدم این درهم‌ها در دست من است.

المنتظم فی تاریخ الملوک والأمم، المؤلف: عبد الرحمن بن علی بن محمد بن الجوزی أبو الفرج، الناشر: دار صادر

– بیروت، الطبعة الأولى، ۱۳۵۸، ج ۹، ص ۷۵، ح ۱۰۹

پدر این شخص با دراهمی که به دست آورده بود رفت غذا خرید، هم خود خورد و هم به فرزند خود غذا داد. آیا

این استغاثه‌ها شاخ و دم دارد؟!

اگر این استغاثه‌ها در کتاب «بحارالانوار» یا در سایر کتاب‌های شیعه باشد، آقایان آسمان و زمین را به هم می‌دوزند که این استغاثه‌ها کفر و شرک است. مشاهده کنید آقای «ابن جوزی» در کتاب «المنتظم» این ماجرا را با آب و تاب نقل می‌کند.

نمونه چهارم در کتاب «تاریخ الاسلام» اثر آقای «ذهبی» است. در کتاب «تاریخ الاسلام» جلد ۳۵ در رابطه با «محمد بن محمود» گفته شده است:

«فقیه، دین، صالح، صاحب معامله»

در مورد او گفته شده است:

«حج سنة سبع وتسعين، وأملی بمكة مجلساً. وضاع ابن له قبل وصوله المدينة»

او در سال نود و هفت برای زیارت خانه خدا به مکه آمد. وقتی به مدینه رسید پسرش گم شد.

«قال بعضهم: فرأيناه في مسجد النبي e يتمرغ في التراب ويتشفع بالنبي في لقي ولده»

عده‌ای می‌گفتند: ما او را دیدیم که در کنار قبر مطهر نبی مکرم خودش را برای پیدا شدن فرزندش به خاک می‌مالد.

راوی نقل می‌کند که این شخص به رسول اکرم متوسل شده و می‌گوید:

«يا رسول الله جئتكم من بلد بعيد زائراً، وقد ضاع أبني»

یا رسول الله! از راه دور به زیارت شما آمده‌ام، اما پسر مرا گم کردم و از دستم رفت.

«لا أرجع حتى ترد علي ولدي»

یا پیغمبر! از مدینه نمی‌روم تا بچه‌ام را به من برگردانی.

تاریخ الإسلام ووفیات المشاهیر والأعلام، اسم المؤلف: شمس الدین محمد بن أحمد بن عثمان الذهبی، دار
النشر: دار الكتاب العربی - لبنان/ بیروت - ۱۴۰۷ هـ - ۱۹۸۷ م، الطبعة: الأولى، تحقیق: د. عمر عبد السلام
تدمری، ج ۳۵، ص ۵۲، باب ۴ حرف المیم

مشاهده کنید این عشق و علاقه و یقین خیلی مهم است. زمانی که این حالت اضطرار برای هرکسی پیش بیاید
دیگر سیم متصل می‌شود. خلاصه این شخص همین‌طور از رسول اکرم درخواست می‌کرد: "یا پیغمبر! تا فرزندم
را به من ندهی، از اینجا بر نمی‌گردم."

او همین‌طور که گریه می‌کرد یک دفعه پسرش وارد شد و تمام مردم فریاد برآوردند و تکبیر گفتند. این هم
عبارتی است که آقای «ذهبی» نقل می‌کند. اگر این عبارت غلط، شرک و کفر است چرا «ذهبی» آن را نقل
می‌کند؟!

بنده از این موارد الی ماشاءالله سراغ دارم، اما به عنوان نمونه به یک مورد دیگر هم اشاره می‌کنم.

نمونه پنجم در کتاب «مصباح الظلام» اثر «فقیه مراکشی» وارد شده است. ایشان می‌گویند از «ابو محمد
عبدالسلام حسنی» شنیدم: "سه روز در مدینه بودیم و غذا نخورده بودیم. نزدیک قبر پیغمبر رفتیم، دو رکعت
نماز خواندیم و گفتیم: یا جدی! یا رسول الله! ما گرسنه هستیم، غذا برای ما بده و آبگوشت برای ما بفرست."

او در ادامه می‌گوید: همین‌طور درخواست می‌کردیم خوابمان برد. یک مرتبه دیدم مردی ما را بیدار می‌کند.
وقتی بلند شدیم، دیدیم ظرفی چوبی در آن جا وجود دارد که همه چیز از قبیل آبگوشت و روغن و گوشت و
ادویه‌جات داخل آن وجود دارد.

به این شخص گفتم: "این غذاها را از کجا آورده‌ای و آن‌ها از کجا آمده است؟" او گفت: "من خوابیده بودم که
رسول اکرم را در خواب دیدم. آن بزرگوار فرمودند: یکی از برادرانت چنین غذایی خواسته است، بلند شو و این
غذا را به او بده. من هم این غذا را برای شما آوردم."

مشاهده کنید اگر استغاثه بد است چرا این آقایان این مطالب را در کتب خود آوردند؟! چرا متوسل شدند؟! اگر ادعا می‌کنند که استغاثه نتیجه ندارد، این هم نتیجه استغاثه است!!

نمونه ششم در کتاب «سیر أعلام النبلاء» جلد شانزدهم در رابطه با آقای «ابن مقری» که شیخ، حافظ، جبار، صدوق، مسند الوقت است روایتی وارد شده است. ایشان می‌گوید: ما همراه با آقای «طبرانی» و «ابو شیخ» وقت عشاء کنار قبر رسول اکرم آمدیم.

دقت داشته باشید که این سه نفر، هر سه از شخصیت‌های طراز اول اهل سنت هستند. او نقل می‌کند که ما گفتیم:

«یا رسول الله الجوع»

یا رسول الله! گرسنه هستیم.

اگر پیغمبر نمی‌شنود و قدرت ندارد، این سه نفر به نام‌های «ابن مقری»، «طبرانی» و «ابو شیخ» که از فحول و ارکان اهل سنت هستند چرا چنین توسل می‌کنند؟! او در ادامه می‌گوید «طبرانی» به من گفت:

«اجلس فإما ان یکون الرزق أو الموت»

بنشین؛ یا پیغمبر به ما عنایتی می‌کند و غذا می‌دهد یا از گرسنگی می‌میریم.

«فقمتم انا وأبو الشيخ فحضر الباب علوی ففتحنا له فاذا معه غلامان بقفتین»

من با «ابو شیخ» بلند شدم، یک دفعه دیدم یک علوی دم در آمد و در را باز کردیم درحالی‌که هیچ کس هم آن جا نبود. من دیدم همراه این علوی دو غلام است که سینه‌های بزرگ مسی در دست دارند.

«فیهما شیء کثیر»

هرچه غذا که دلت بخواد در این سینی‌های بزرگ بود.

«وقال شکوتمونى إلى النبى رأیته فى النوم فأمرنى بحمل شیء الیکم»

این علوی به ما گفت: شما از ما به پیغمبر شکایت کردید. پیغمبر در خواب من آمد و دستور داد این غذاها را برای شما بیاورم.

سیر أعلام النبلاء، اسم المؤلف: محمد بن أحمد بن عثمان بن قایماز الذهبى أبو عبد الله، دار النشر: مؤسسة الرسالة - بیروت - ۱۴۱۳، الطبعة: التاسعة، تحقیق: شعيب الأرنؤوط، محمد نعیم العرقسوسى، ج ۱۶، ص ۴۰۰
باب ۸ ابن المقرئ

مشاهده کنید این سه نفر از علمای بزرگ اهل سنت هستند. آقای «ذهبی» هم این اتفاق را با آب و تاب نقل می‌کند و رد نمی‌کند. علمای زیادی مخصوصاً آقای «ذهبی» نمونه‌های زیادی از استغاثه علمای اهل سنت به قبر نبی مکرم و نتیجه گرفتن آن‌ها نقل می‌کند.

گر گدا کاهل بود تقصیر صاحبخانه چیست!! بعضی افراد کاهل و تنبل هستند که تنبل‌ها را راهی به جایی نیست. خدای عالم می‌گوید:

(ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ)

مرا بخوانید تا (دعای) شما را اجابت کنم، کسانی که از عبادت من تکبر می‌ورزند به زودی با ذلت وارد دوزخ می‌شوند.

سوره غافر (۴۰): آیه ۶۰

بعضی‌ها هم دیگر تنبل تنبل‌ها هستند!! نقل شده است در زمان ناصرالدین شاه گفتند تنبل‌ها زیاد شدند. ناصرالدین شاه گفت: "همه را داخل آب جوش بیندازید."

زمانی که این افراد را داخل آب جوش انداختند، همه می‌گفتند: "ای وای سوختیم" در این میان شخص تنبلی گفت: "به جای من هم داد بزنید من سوختم!" حال بعضی از تنبل‌ها این‌طور هستند.

مجری:

جناب استاد از شما ممنونم. تشکر می‌کنم از دوستانی که همراه «شبکه جهانی ولایت» و برنامه زنده «اخلاق علوی» هستند.

بخشی از پیامک‌های بینندگان برنامه:

آقای نیازمندی از شیراز از شما ممنون سپاسگزار هستم.

آقا رضا عزیزمان از تهران سوالی مطرح کردند که اگر فرصت شد می‌پرسم.

آقا روح الله از گرگان برای ما پیام فرستادند.

عزیزی گفتند: شب جمعه است؛ گرفتاری و مریضی داریم، برای ما دعا کنید. ان شاءالله حتماً دعاگوی شما هستیم.

آقای محمدتقی از کره جنوبی یک سوالی مطرح کردند که ان شاءالله بتوانم امشب سؤال شما را می‌پرسم.

آقای صباحی از کاشان گفتند: "آیا روایتی هست که «یا حسین»، «یا علی» و «یا مهدی» در آن گفته شود؟!"

البته استاد یک مورد بیان کردند که امام صادق (علیه السلام) فرمود: "شعار ما «یا محمد» است!!"

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

ما در دعای فرج می‌خوانیم:

«یا مُحَمَّدُ یا عَلِی یا عَلِی یا مُحَمَّدُ انْصِرانی فَاِنَّکَما ناصِرَای وَ اکفِیانی فَاِنَّکَما کافِی‌ای یا مَوْلای یا صَاحِبَ
الزَّمانِ العُوثُ العُوثُ العُوثُ اذْرِکِنِی اذْرِکِنِی السَّاعَةَ السَّاعَةَ العَجَلَ العَجَلَ العَجَلَ یا اَرْحَمَ
الرَّاحِمِینَ بِمُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِینَ»

دعای فرج امام زمان (ارواحنا له الفداه)

این دعا از اهل بیت (علیهم السلام) به دست ما رسیده است. این همان کاری است که اهل سنت هم دارند انجام می‌دهند. مسلمان‌ها باهم یکی هستند فقط وهابی‌ها تافته جدا بافته هستند!!

مجری:

از آقا رضا از بندرگاه هم ممنون هستیم. حال دوستان بیننده ما پشت خط بیایند و سؤالات خودشان را مطرح کنند.

من بازهم یادآوری می‌کنم عزیزانمان در ۵ دقیقه مشروعیت توسل از قرآن، سنت و سیره صحابه را برای ما بفرمایند تا در اولین فرصت هدایایی به آن‌ها تقدیم شود. به ۵ نفر اول پنج سکه، به ۵ نفر دوم پنج نیم سکه و به ۵ نفر سوم پنج ربع سکه بهار آزادی تقدیم خواهد شد.

تماس بینندگان برنامه:

سرکار خانم رضازاده از بابل اولین بیننده ما هستند. خدمت شما خواهر بزرگوارمان سلام عرض می‌کنم، شبستان بخیر:

بیننده (خانم رضازاده از بابل - شیعه):

بسم الله الرحمن الرحيم؛ خدمت استاد آیت الله دکتر حسینی قزوینی و مجری محترم آقای اسماعیلی سلام عرض می‌کنم. اگر اجازه بدهید می‌خواستم در مسابقه توسل شرکت کنم.

بسم الله الرحمن الرحيم. توسل از قرآن، از سنت پیامبر و سیره علما و صحابه اهل سنت در ۵ دقیقه:

آیه اول، آیه ۳۵ سوره مائده است. خداوند متعال می‌فرماید:

(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ)

آقای «جمیل صدقی زهاوی» یکی از علمای بزرگ اهل سنت در کتاب «فجر الصادق» صفحه ۷۶ گفته است: "این آیه دلالت بر توسل دارد!!".

«حاکم نیشابوری» در کتاب «مستدرک علی الصحیحین» جلد ۲ صفحه ۳۱۲ می‌گوید: "«عبدالله ابن مسعود» یکی از نزدیک‌ترین و مقرب‌ترین وسیله‌ها به خدای عالم است.

آیه دوم، آیه ۵۷ سوره مبارکه اسراء است. خداوند متعال می‌فرماید:

(أُولَئِكَ الَّذِينَ يَدْعُونَ يَبْتَغُونَ إِلَىٰ رَبِّهِمُ الْوَسِيلَةَ)

آقای «آلوسی» در کتاب «روح المعانی» جلد ۱۵ صفحه ۲۱۶ می‌نویسد: "نبی مکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) طبق این آیه واسطه تمام انبیا و ملائکه و تمام موجودات است."

آیه سوم، آیه ۹۷ سوره یوسف است. خداوند متعال می‌فرماید:

(يَا أَبَانَا اسْتَغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا إِنَّا كُنَّا خَاطِئِينَ)

در کتاب «تفسیر آلوسی» جلد ۱۳ صفحه ۵۵ و «تفسیر فیروز آبادی» صفحه ۲۰۳ می‌گوید: "این آیه مشروعیت توسل را اثبات می‌کند."

آیه چهارم، آیه ۶۴ سوره نساء است. خداوند متعال می‌فرماید:

(وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ جَاؤُكَ فَاسْتَعْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ)

و اگر این مخالفان هنگامی که به خود ستم می‌کردند (و فرمانهای خدا را زیر پا می‌گذاشتند) به نزد تو می‌آمدند و از خدا طلب آمرزش می‌کردند و پیامبر هم برای آن‌ها استغفار می‌کرد.

آقای «سمهودی» در «خلاصة الوفاء» جلد ۱ صفحه ۳۶۷ و آقای «صالحی شامی» در کتاب «سبل الهدی و الرشاد» جلد ۱۲ صفحه ۳۸۰ و دیگر بزرگان می‌گویند: "این آیه هم حیات را و هم بعد از وفات پیامبر را شامل می‌شود."

آقای «قرطبی» در کتاب «جامع الاحکام القرآن» جلد ۵ صفحه ۲۶۵ در مورد قضیه «عتبی» از قول امیرالمؤمنین بیان کرد که او این آیه را کنار قبر خدا رسول خدا خواند و از قبر ندا آمد: "ای «عتبی» به خاطر این توسل تمام گناهانت بخشیده شد!!"

توسل در سنت پیامبر و سیره صحابه:

روایت اول از قول عمر بن خطاب است که گفت: "خدایا ما به پیامبر تو متوسل شدیم." این جا در این حدیث «صحیح بخاری» ص ۲۴۵ حدیث ۱۰۱۰ آیا توسل عمر به دعای پیامبر بود؟! قطعاً نه بلکه او به خود پیامبر متوسل شد.

«ابن حجر عسقلانی» در کتاب «فتح الباری» جلد ۳ صفحه ۳۵۲ می‌گوید: "عمر ابن خطاب گفت: به خدا قسم «عباس» وسیله ما در پیشگاه خدای عالم است."

روایت دوم: توسل نابینا است؛ شخص نابینایی خدمت نبی اکرم (صلی الله علیه و آله) آمد و گفت: "یا رسول الله! چشمم نابینا است." پیامبر فرمودند: "وضو بگیر، به مسجد برو، نماز بخوان و به من متوسل شو!!"

«حاکم نیشابوری» در کتاب «مستدرک» در جلد ۱ صفحه ۴۵۸ حدیث ۱۱ و «ألبانی» در کتاب «صحیح سنن ابی ماجه» جلد ۱ صفحه ۴۱۲ می‌گوید: "این روایت صحیح است." «شعیب الأرنؤوط» وهابی هم در کتاب «سنن» جلد ۱ صفحه ۳۹۵ می‌گوید: "این روایت صحیح است."

توسل صحابه:

«بلال بن حارث» سر قبر نبی مکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) رفت، متوسل شد و گفت: "یا رسول الله! از خدا بخواه باران بیاید." او پیش عمر رفت و از کارش گفت و عمر از کار «بلال بن حارث» خوشحال شد.

آقای «ابن حجر» در کتاب «فتح الباری» جلد ۲ صفحه ۴۱۲ گفت: "سند این روایت صحیح است." همچنین آقای «ابن کثیر» در کتاب «البدایه» جلد ۷ صفحه ۱۰۵ گفته است: "این روایت صحیح است."

«ابن تیمیه» وقتی قضیه «بلال بن حارث» را می‌آورد، می‌گوید: "از این ماجراها مانند قضیه «بلال ابن حارث» زیاد اتفاق افتاده است."

توسل به دستور «عثمان ابن حنیف»:

آقای «طبرانی» در کتاب «معجم الصغیر» جلد ۱ صفحه ۱۸۳ می‌گوید: "روایت صحیح است." آقای «صالحی شامی» در کتاب «سبل الهدی و الرشاد» گفته است: "این روایت صحیح است."

قضیه فردی بود که مشکلی داشت و نزد «عثمان بن عفان» می‌رفت، اما او این شخص را به حضور نمی‌پذیرفت. این فرد نزد «عثمان بن حنیف» رفت و او توسل پیامبر را به این شخص یاد داد.

مشروعیت توسل از علمای اهل سنت:

«سبکی» در کتاب «شفاء السقام» صفحه ۳۵۷ و «سمهودی» در کتاب «وفاء الوفاء» جلد ۵ صفحه ۶۶ می‌نویسد: "توسل و استغاثه به نبی مکرم (صلی الله علیه و آله) و دیگر انبیا صحیح و سیره سلف صالح و روش انبیا بوده است."

التماس دعا و یا علی

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

دست شما درد نکند، خیلی زیبا و عالی بود. «عثمان بن حنیف» نیست بلکه «عثمان بن حنیف» است. خیلی عالی بود، خیلی زیبا بود، بارک الله!!

مجری:

خانم رضازاده شما الآن در چه مقطعی مشغول به تحصیل هستید؟!

بیننده:

من کلاس هفتم هستم و به کلاس هشتم می‌روم.

مجری:

خیلی عالی بود، دست شما درد نکند، برای ما هم دعا کنید. ان شاءالله خدا خیرتان بدهد. اسم شما در لیست قرار گرفت تا ببینیم بعداً چه می‌شود، خدانگهدارتان باشد.

جناب آقای امیر محمد متولی از قزوین که فکر کنم از غنچه‌های ولایت ما باشند. سلام آقای متولی سلام:

بیننده (آقای امیر محمد متولی از قزوین - شیعه):

بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله الذي جعلنا من المتمسكين بولاية مولانا و مقتدانا اسد الله الغالب على بن ابي طالب و الائمة المعصومين (عليهم السلام)

عرض ادب و احترام سلام دارم خدمت شما استاد گرامی حضرت آیت الله دکتر حسینی قزوینی و مجری محترم و دوست داشتنی برنامه جناب آقای اسماعیلی.

اگر اجازه بدهید مطلبی پیرامون توسل در قرآن، توسل در سنت و توسل در سیره صحابه را که آماده کردم خدمت شما عزیزان عرض کنم.

در سوره اسراء آیه ۵۷ خدای متعال می فرماید: "آنهایی که کافران به خدایی می خواند، آنها خود به درگاه خدا توسل می جویند. هر که مقربتر است، بیشتر امیدوار به رحمت و ترسان از عقاب او است." البته از عذاب خدا باید سخت هراسان بود.

«محمد بن عبد الوهاب» برخلاف فرموده خدای متعال در «مجموعه مؤلفات» خود جلد ۱ صفحه ۱۵۴ می نویسد: "آنان که به ملائکه و پیمبران و اولیای الهی توسل می کنند و آنها را شفیع خود قرار می دهند و به وسیله آنها به خداوند تقرب می جویند، خونشان حلال و مالشان مباح است."

در این جا بینندگان عزیز مشاهده کردید که «محمد بن عبد الوهاب» ۱۸۰ درجه مخالف سخن خداوند متعال حرف می زند.

البته به غیر آیه ۵۷ سوره اسراء، آیات دیگری هم مانند آیه ۳۵ سوره مائده، آیه ۵ سوره منافقون، آیه ۹۷ و ۹۸ سوره یوسف، آیه ۶۴ سوره نساء، آیه ۱۳۴ و ۱۳۵ سوره اعراف و آیات دیگری هم نشان دهنده مشروعیت توسل هستند.

آقای «سبکی» متوفی ۷۵۶ هجری در کتاب «شفاء السقام» صفحه ۲۹۳ و در کتاب «فیض القدير» جلد ۲ صفحه ۱۷۰ می‌نویسد: "یقین داشته باش به توسل جستن و شفیع قرار دادن و به پیغمبر اکرم استغاثه کردن. این که توسل و استغاثه و تشفه خوب است و جایز است از امور دین است."

تا اینجا طبق روایت آقای «سبکی» فهمیدیم کسی که توسل را قبول نداشته باشد، یکی از ضروریات دین را قبول ندارد. او در ادامه می‌آورد: "توسل کار انبیا و مرسلین، سیره انبیاء و مرسلین، سیره سلف صالحین، سیره علما و عوام مسلمین است. هیچ اهل دینی در هیچ زمانی منکر توسل نبوده تا آن جا که «ابن تیمیه» آمده و آن سخنان شیطانی را گفته است."

آقای «سبکی» یک عالم معمولی نیست، زیرا آقای «سیوطی» در مورد آقای «سبکی» در کتاب «طبقات الحفاظ» صفحه ۵۵ می‌گوید: "آقای «سبکی» شیخ الاسلام بوده و امام عصر خویش بوده است." آقای «ابن کثیر» در کتاب «البدایة و النهایة» جلد ۱۴ صفحه ۶۸ می‌گوید:

«الامام العلامة تقی الدین السبکی»

البدایة والنهایة، اسم المؤلف: إسماعیل بن عمر بن کثیر القرشی أبو الفداء، دار النشر: مكتبة المعارف - بیروت، ج

۱۴، ص ۶۸، باب الشيخ الصالح

«ابن حجر هیثمی» متوفی ۹۷۴ در کتاب «جوهر المنظم» صفحه ۱۵۳ می‌گوید: "توسل بر نبی مکرم قبل از آن که به دنیا بیاید و بعد از آن که به دنیا آمدند و بعد از رحلت ایشان حتی در عرصات قیامت خوب و جایز است. این جواز توسل هم در زمان حیات و هم بعد از وفات وجود دارد، اجماع بر آن قاطع است و روایات متواتری در این رابطه داریم."

«ابن تیمیه» در کتاب «مجموع الفتاوی» جلد ۱ صفحه ۱۰۹ می‌گوید: "هر کسی روایتی را که به تواتر اثبات شده باشد قبول نداشته باشد کافر است." طبق روایت «ابن تیمیه» و «ابن حجر» هرکسی توسل را قبول نداشته باش کافر است.

نتیجه‌ای که از این دو روایت می‌توان گرفت این است. آقای «ابن تیمیه» می‌گوید: "هر کسی روایت متواتر را قبول نداشته باشد کافر است." همچنین آقای «ابن حجر هیثمی» می‌گوید: "روایت توسل به تواتر اثبات شده است." خیلی روشن و واضح است.

بنابراین خود «ابن تیمیه» و «محمد بن عبدالوهاب» و تمام آقایان وهابی را طبق روایت «ابن تیمیه» می‌توان کافر خواند.

توسل «بلال بن حارث» به قبر پیغمبر اکرم برای طلب باران:

مطابق با سخنان صریح اهل سنت «بلال بن حارث» یکی از صحابه پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) هست.

در یکی از سال‌هایی که زمان خلافت عمر بن خطاب بود در مدینه قحطی می‌آید و مردم به شدت دچار مشکل می‌شوند در صورتی که تمامی گیاهان و درختان خشک می‌شوند.

صحابه رسول الله با اعتقاد راسخی که به آن حضرت داشت نزد قبر مطهر پیامبر آمد، به آن حضرت متوسل شد و درخواست باران نمود. پیغمبر به خواب این صحابه آمد و پیام دادند: "به عمر سلام برساند و به او بگوید طلب باران کند. مطمئن باشد که باران می‌آید و امت را از قحطی نجات می‌دهد." عمر با شنیدن این خبر گریه کرد و قول مساعدت به امت را داد.

متن این روایت را «ابن ابی شیبه» استاد «بخاری» در کتاب «المسند» جلد ۶ صفحه ۳۵۶ حدیث ۳۲۰۰۲ به گونه‌ای دیگر آورده است.

«ابن حبان» می‌گوید: "هر وقت گرفتار می‌شدم، کنار قبر امام رضا (علیه السلام) متوسل می‌شدم و نتیجه می‌گرفتم." همچنین «امام شافعی» می‌گوید: "من به قبر امام هشتم متوسل می‌شدم و نتیجه می‌گرفتم." خلاصه‌ای از توسل در سیره صحابه را برای شما بیان کردم. حال اگر اجازه بدهید برادرم هم بحثی در باره توسل در سنت دارد.

مجری:

برادرتان را برای یک فرصت دیگر بگذارید دست شما درد نکند. دوستان اتاق فرمان اعلام کردند فرصتمان تمام شده است. ان‌شاءالله در اولین برنامه ما یکشنبه شب برنامه‌ریزی کنید تا ایشان تشریف بیاورند و در خدمتشان باشیم.

تشکر می‌کنیم از آقای متولی عزیز، خدا نگهدارتان باشد. استاد فرصتمان رو به اتمام است و ان‌شاءالله دعای شما حسن ختام برنامه باشد.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

من همان‌طور که دوستان هم گرفتار بودند نامی از حضرت صدیقه طاهره (سلام الله علیها) می‌برم تا ان‌شاءالله قلب‌های عزیزان ما نرم شود، دعا کنیم و حضرت صدیقه طاهره را بین خودمان و خدای عالم واسطه قرار بدهیم.

شعری از زبان حضرت زینب (سلام الله علیها) بیان شده است. حضرت صدیقه طاهره فاطمه زهرا (سلام الله علیها) بعد از رحلت نبی مکرم اسلام در بستر افتاده بودند.

معلوم است کسی که دو ماه و نیم یا سه ماه در بستر می‌افتد زندگی خیلی سخت است، مخصوصاً زخم بستر بسیار دشوار است. زبانه‌حال حضرت زینب چنین است:

دوباره شب شد و سر درد دارد

بمیرم باز مادر درد دارد

پس از فصل پر از غم یک سخن گفت

عزیزم زخم بستر درد دارد

شبی آهی کشید و زیر لب گفت

خدایا مرگ کمتر درد دارد

کار حضرت صدیقه طاهره فاطمه زهرا به جایی رسید که از خدای عالم برای خود طلب مرگ می‌کرد.

خدایا تو را به آبروی حضرت زهرا، به چشم‌های اشک‌آلود صدیقه طاهره، به شب‌های پر از درد فاطمه زهرا، به قلب پر از سوز حضرت زهرا قسم می‌دهیم فرج مولای ما امام زمان را نزدیک بگردان. خدایا ما را مشمول عنایات ویژه آن بزرگوار قرار بده.

خدایا به آبروی حضرت زهرا، مرضیه رفع گرفتاری از همه گرفتاران مخصوصاً گرفتاری مورد نظر و گرفتاران مورد نظر بنما.

خدایا! به آبروی حضرت صدیقه طاهره حوائج ما، حوائج دست اندرکاران «شبکه جهانی ولایت»، حوائج بینندگان عزیز مخصوصاً حوائج عزیزان ولایت یاور و کسانی که در ساخت استودیوی نجف اشرف کمک می‌کنند را برآورده بفرما. خدایا دعاهای ما را به اجابت برسان.

والسلام علیکم ورحمة الله برکاته

مجری:

اللهم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم

از توجه و نگاه مهربانتان که امشب هم برنامه «اخلاق علوی» را همراهی فرمودید خیلی ممنون هستیم. با نام و یاد مولایمان، آقایمان، نور چشممان، امام زمانمان برنامه امشب را به پایان می‌بریم.

اللهم عجل فی فرج مولانا صاحب العصر و الزمان

یا علی